

بیوگرافی ایرج فرجاد

روزنامه‌رسانی به زندگی
مسلک‌آوردن آرزوهای

۱۵ دی ۱۴۰۰، ۵ ژانویه ۲۰۲۲

مندرچ در انترناسیونال ۹۵۴

ایرج فرجاد کادر قدیمی حزب کمونیست کارگری روز ۲۸ دسامبر ۲۰۲۱ (۷ دیماه ۱۴۰۰) به علت ابتلا به بیماری کرونا در سن ۷۵ سالگی در شهر کلن آلمان درگذشت. با درگذشت ایرج، حزب کمونیست کارگری یکی از قدیمی ترین، محکم ترین و دوست داشتنی ترین کادرهای خود را از دست داد.

ایرج در سال ۱۳۲۶ در خانواده ای زحمتکش در محله چهارباغ سنندج بدنیا آمد. او تا کلاس ششم ابتدایی به مدرسه رفت اما به علت بیماری پدرش و برای تامین نیازمندیهای خانواده ناچار شد مدرسه را رها کند و به کار در رشته مکانیکی و تعمیرات ماشین روی آورد و بدین ترتیب ایرج در سنین نوجوانی نان آور

خانواده شد. پس از چند سال، کمک راننده و سپس راننده کامیون شد. تلاشهای شبانه روزی ایرج برای تامین معاش خانواده سبب شد زندگی مادر، برادران و خواهران او بتدریج از نظر اقتصادی بهبود پیدا کند. شروع آرامش زندگی خانواده ایرج مصادف بود با سالهای قبل از قیام ۵۷.

شرایط زندگی ایرج در خانواده ای فقیر و تبعیضات و تحقیرهایی که در محیط مدرسه تجربه کرده بود، او را خیلی زود با تبعیضات و شکاف های طبقاتی در کل جامعه آشنا کرد و زمینه را برای روی آوری او به ایده های کمونیستی فراهم نمود.

از سالها قبل از قیام، فضای سیاسی علیه رژیم پهلوی در سراسر ایران و در شهرهای کردستان، تاثیر زیادی بر نگاه ایرج به نابرابری های جامعه داشت. از طریق برادرش که بعدا در سال ۶۱ اعدام شد و آشنایی با فعالین سیاسی دیگری در شهر سنندج، وارد محافل کمونیستی شد و شروع به مطالعه ادبیات کمونیستی کرد. او مجذوب این ادبیات شد و از هیچ فرصتی برای فراگیری دانش سیاسی خود کوتاهی نمی کرد.

قبل از شروع و اوج گیری انقلاب و در مقطع آزادی زندانیان سیاسی، ایرج فعالیت سازمان یافته در تشکیلات مخفی کومله را شروع کرد. قیام ۵۷ نقطه عطفی برای فعالیت هدفمند و سازمان یافته برای او بود. ایرج در صحبت‌هایش

بارها این را عنوان می کرد که مقطع قیام ۵۷ برای او حکم یک دانشگاه را داشت. فضای انقلابی در جامعه ایران درک سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی او را ارتقا داد.

او به همراه دیگر همکاران خود با تمام وجود در حرکت‌های اعتراضی و انقلابی سال ۵۶ حضور داشت. در تمامی حرکت‌های توده‌ای، تظاهرات‌ها، تحصن و فعالیت جمعیت دفاع از آزادی و انقلاب در شهر سنندج نقش فعالی ایفا کرد. در جریان راهپیمایی مردم سنندج بطرف مریوان که در حمایت از کوچ تاریخی مردم مریوان صورت گرفت، از ابتدا تا پایان این حرکت و با استفاده از کامیون خود، بخش قابل توجهی از نیازهای تدارکاتی راهپیمایان و

همچنین انتقال مردم مسلح را بعهده گرفت. جمع آوری کمک مالی از رانندگان کامیون برای ادامه کاری فعالیت تشکیلات مخفی سنندج و کمک به خانواده های فعالینی که قادر به تامین نیازمندیهای زندگی خود نبودند، یکی دیگر از فعالیت های او در این دوره بود.

بعد از جنگ ۲۴ روزه سنندج در بهار ۱۳۵۹ چند روزی برای جلوگیری از دستگیری همراه با نیروهای مسلح از شهر خارج شد و سپس رانندگی با کامیون را از سر گرفت و از این امکان برای انتقال برخی از نیازهای تدارکاتی پیشمرگان کومله به کردستان استفاده کرد. در سالهای ۶۰ و ۶۱ سرکوب گسترده و خونینی در تهران و شهرهای دیگر شروع شده بود و

هزاران نفر از فعالین سیاسی زیر ضرب قرار گرفتند. ایرج نقش مهمی در انتقال امن بسیاری از فعالین از جمله تعداد قابل توجهی از فعالین کومله و اتحاد مبارزان کمونیست به مناطق آزاد کردستان بعهدہ گرفت. ابتکار و خلاقیت قابل توجه ایرج برای انجام این وظایف مهم باعث شد که فعالینی که همراه خود به کردستان منتقل میکرد حتی یکبار هم مورد سوء ظن قرار نگیرند.

ایرج بدنبال اعدام برادرش فرهاد فرجاد، به تشکیلات علنی کومه له ملحق شد و با همان شور و حرارت و پیگیری همیشگی اش در مناطق آزاد کردستان در بخش های مختلف این تشکیلات، از جمله به عنوان سرپرست حمل

و نقل در تشکیلات علنی کومله، به فعالیت
ادامه داد.

ایرج در سال ۱۳۵۲ با منیر شریف پوریان ازدواج
کرد. منیر عزیز نیز کادر قدیمی حزب است
و بقول ایرج لنگر زندگی و منبع انرژی اش
برای امید به ادامه زندگی بود. حاصل ازدواج
ایرج و منیر سه فرزند بنام سحر، کاوه و سوما
هستند.

او در سال ۱۹۸۹ همراه با خانواده اش به آلمان
آمد و در شهر کلن مستقر شد و با جدایی
منصور حکمت و صدها کادر و فعال کمونیسم
کارگری از حزب کمونیست ایران و تشکیل
حزب کمونیست کارگری در زمستان سال

۱۹۹۱ ایرج نیز به این حزب پیوست و فعالیت خود را در تشکیلات خارج کشور حزب با همان جدیت و پشتکاری که خصوصیت همیشگی او بود شروع کرد.

ایرج کادر برجسته و استخوان خرد کرده حزب کمونیست کارگری بود و در صف اول بسیاری از فعالیتهای تشکیلات آلمان قرار داشت و یکی از ستون های سازمان دهنده فعالیت های حزب در این کشور بود و دیگران را برای انجام دهها میتینگ و تظاهرات و کنفرانس در سراسر آلمان تشویق میکرد و سازمان میداد. ایرج در صفوف حزب نمونه استواری و پابندی به سیاست ها و آرمانهای حزب و نمونه برجسته ای از یک کادر آرمانخواه و کمونیست بود.

در کنفرانس هایی برای تشکیل تریبونال
محاکمه سران حکومت اسلامی، تحصن در
مقابل سفارت جمهوری اسلامی در شهر بن،
اشغال دفاتر حزب سبز به دلیل سفر یوشکا
فیشر در روز جهانی زن به ایران، سازماندهی
راهپیمایی در روز هشت مارس از کلن به شهر
بن، و دهها تظاهرات بزرگ بر علیه زن ستیزی
حکومت اسلامی و مماشات دولت آلمان با
حکومت اسلامی ایران، همراهی و کمک به
رفقای دیگر برای حضور در برنامه های حزب
در هلند و فرانسه و انگلیس و سوئد و حضور در
دهها میتینگ بر علیه احکام اعدام و سنگسار
در ایران، بخشی از فعالیتهای شبانه روزی و
خستگی ناپذیر ایرج در آلمان بود.

چه کسی در بین فعالین سیاسی و مردم ساکن کلن است که چهره مهربان او را در مرکز شهر کلن برای نجات جان ریحانه جباری، کبرا رحمانپور، نازنین فاتحی و زانیار و لقمان مرادی و رامین حسین پناهی به یاد نیاورد؟

چه کسی میتواند در باره مبارزه علیه جمهوری اسلامی و فعالیت‌های گسترده حزب کمونیست کارگری در شهرهای مختلف آلمان، خاطراتش را مرور کند، و به یاد نیاورد که انسان عزیزی به اسم ایرج فرجاد، در بسیاری از این حرکتها حضور داشت و بقیه را به فریاد زدن علیه حکومت و پاک کردن خیابانهای آلمان از حضور مزدوران حکومت اسلامی فراخوان میداد؟

ایرج در خانواده نیز یک همسر و پدر نمونه و مدرن و برابری طلب بود. برای دوستان و آشنایان و رفقای حزبی خود نیز در حل مشکلات فردی همواره پیشقدم بود و بسیاری از ما از کمکهای مهربانانه این انسان عزیز در حل مشکلات شخصی خود بسیار سپاسگذاریم.

ایرج فرجاد از نوجوانی تا آخرین روزهای زندگی اش در میان همکاران و دوستان و آشنایان خود و در میان رفقای حزبی اش انسانی قابل اتکا، دلسوز، صمیمی و با پرندی بود و این روحیات همراه با آگاهی سیاسی او به ریشه های مشقات مردم، او را به چهره ای موثر و دوست داشتنی تبدیل میکرد. چه در فعالیت

سیاسی و حزبی و چه در زندگی اجتماعی از اتوریته و محبوبیت بالایی برخوردار بود. استحکام سیاسی و پیگیری در هدفی که داشت از مشخصات قابل توجه او بود.

ایرج شرحی از زندگی خود را در کتابی تحت عنوان "روزنه ای به زندگی میلیاردها انسان" نوشته است. در جایی از این کتاب میگوید: "این زندگی من بود که جذابیت سوسیالیسم را در برابرم قرار داد. داستان زندگی من اگر توانسته باشد راهی برای پیوستن به یک مبارزه جدی و اساسی برای ریشه کن کردن سیستم بردگی سرمایه داری را به روی هم زنجیرهایم باز کند، قوت قلب من خواهد بود و بهترین پاداش معنوی زندگی من".

سرانجام بیماری کرونا این کمونیست شریف و این انسان محبوب را که نزدیک به پنج دهه از زندگی اش را بی وقفه برای آرمان های والای انسانی مبارزه کرد، در روز ۷ دیماه ۱۴۰۰ (۲۸ دسامبر ۲۰۲۱) در سن ۷۵ سالگی از پای درآورد.

باز دست دادن ایرج فرجاد حزب مایک ستون محکم خود در آلمان و چیک کادر قدیمی، محبوب و انسان دوست را از دست داد، کسی که حضورش در هر جمعی، به روحیه مثبت و امید و فعالیت در راه رسیدن به دنیای بهتر دامن میزد و بهمین دلیل بسیار زود به قلب افراد راه می یافت. ایرج نماد بارزی از صداقت،

صمیمیت، فداکاری و انسانیت بود و درگذشتش
ضایعه بزرگی برای حزب کمونیست کارگری.
فقدان ایرج قلب همه ما را به درد آورد.

ایرج عزیز، یاد و خاطره تو برای همیشه در
قلب ما باقی خواهد ماند!

۵ ژانویه ۲۰۲۲

وب سایت:

www.wpiran.org

تماس با حزب:

پیامگیر تلگرام: **wpi_tamas@**

و یا با ارسال پیام به شماره

۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

از طریق سیگنال، واتساپ و تلگرام و اینستاگرام